# هیدروپلیتیک نیل در افق ۲۰۲۶؛
# آیندهٔ محتمل: جنگ

(فرشید فرهادی؛ پژوهشگر مؤسسهٔ آینده‌پژوهی جهان اسلام)



## مقدمه

آب عنصری است که وجود آن برای تولید مواد غذایی، توسعهٔ اقتصادی، بقای موجودات زنده و... ضروری است. بر همین مبناست که به‌گواه تاریخ، بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری در کنار رودخانه‌ها شکل گرفتند: تمدن چین در کنار رودهای یانگ‌تسه و زرد، تمدن مصر در کنارهٔ نیل، تمدن سومر و بابل پیرامون دجله و فرات، تمدن ایلام در کنار کارون و تمدن هند در کنارهٔ رود سند شکل گرفتند.

در شرایط حاضر، رشد جمعیت، ارتقای سطح زندگی و بهداشت، گسترش شهرنشینی، گسترش صنایع مختلف و... مصرف آب را افزایش داده و اهمیت منابع آب را در نظر همگان مشخص کرده‌اند. بر طبق برخی محاسبات، میزان مصرف آب، نسبت به سه قرن اخیر، بیش از ۵۰ برابر شده است.

در این میان، برخی مناطق، به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط اقلیمی خاص، بیش از سایرین تحت‌تأثیر نوسانات مربوط به منابع آب قرار می‌گیرند. غرب آسیا و شمال آفریقا از جمله مناطقی‌اند که به‌دلیل قرارگیری در کمربند خشک جهانی با خطرات و تهدیدهای ناشی از کمبود منابع آب روبه‌رو هستند. بر اساس تحقیقات انجامشده توسط مؤسسهٔ منابع جهانی، ۲۰ کشور از ۳۳ کشوری که به‌احتمال زیاد در سال ۲۰۴۰م (۱۴۱۹ ه.ش) با تنش کم‌آبی مواجه خواهند شد، در منطقهٔ غرب آسیا و شمال آفریقا هستند. از این تعداد، ده کشورِ بحرین، مصر، کویت، فلسطین اشغالی، قطر، امارات متحده عربی، رژیم اشغالگر قدس، عربستان سعودی، عمان و لبنان در ردهٔ کشورهای قرار دارند که به‌شدت تحت‌فشار تنش کم‌آبی‌اند. این مناطق با وجود

دارابودن ۵ درصد جمعیت جهان (۶۴۴ میلیون)، تنها ۱ درصد از آب‌های شیرین قابل‌دسترس را در اختیار دارند. نکتهٔ مهم این است که همین ۱ درصد آب شیرین هم در حوضه‌های آبریز مشترک قرار دارد. این دو عامل سبب می‌شوند کم‌آبی از منابع بالقوه و بالفعل تضاد و تعارض در این مناطق باشد. این شرایط سبب شده است حوضه‌های آبریز مشترک مابین کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا به گسل‌های فعال هیدروپلیتیکی تبدیل شوند، همانند آنچه ساموئل هانتینگتون دربارهٔ برخورد تمدن‌ها با هم و شروع درگیری‌ها از خطوط گسل‌های تمدنی مطرح کرده است.

یکی از خطوط فعال درگیری در غرب آسیا و شمال آفریقا، حوضهٔ نیل است که مابین سه کشور مصر، اتیوپی و سودان است. نیل طولانی‌ترین و بزرگ‌ترین رود جهان است. این رود از رشته‌کوه‌هایی در مرکز آفریقا از کشور رواندا سرچشمه گرفته و با طی ۶،۸۵۳ کیلومتر، سرانجام در شمال مصر به مدیترانه می‌ریزد. نیل عنصر حیات‌بخش و شاهرگ حیاتی مرکز تا شمال آفریقاست. کشورهایی مانند مصر، رواندا، اوگاندا، اتیوپی و سودان حیات خود را مدیون نیل هستند. این مهم بیش از هرچیزی بر پایهٔ این واقعیت است که کشورهای شمال آفریقا در زمرهٔ خشک‌ترین مناطق کرهٔ زمین هستند و به همین دلیل، نیل به شاهراه حیاتی این کشورهای خشک و بیابانی تبدیل شده است.

اما موضوع مهم این است که مسیر طولانی نیل که از چند کشور آفریقایی می‌گذرد و شکل‌گیری حوضه‌های آبی مشترک در کنار اقلیم خشک و بیابانی این کشورها و نیز افزایش اهمیت نیل برای حیات این کشورها سبب شده است خطوط درگیری مابین این کشورها شکل گیرد و به بحران‌های هیدروپلیتیکی منجر شود. اما موضوع مهم‌تر، ترسیم آیندهٔ این گسل هیدروپلیتیکی فعال است؛ اینکه چه آینده‌ای را می‌توان برای بحران هیدروپلیتیکی شکل‌گرفته در حوضهٔ رود نیل برای ده سال آینده متصور بود؟

## پیش‌زمینهٔ بحران

قبل از هر موضوعی باید به این پرسش پاسخ داد که آیا وضعیت موجود در حوضهٔ رود نیل مابین سه کشور مصر، سودان و اتیوپی را می‌توان بحران نامید. در راستای پاسخ به این پرسش مهم ابتدا پیش‌فرض‌ها، شاخص‌ها و کلیتی از مفهوم بحران را بیان می‌کنیم و سپس بر اساس آن به تشریح وضع موجود در حوضهٔ رود نیل می‌پردازیم.

مایکل برچر بحران را وضعیتی می‌داند که در آن، شدت و حجم تعاملاتِ اختلال‌برانگیز بین بازیگران افزایش پیدا می‌کند. به‌عبارت دقیق‌تر، از دیدگاه او، بحران، دگرگونی یا افزایش شدت کنش‌های شکننده بین دو یا چند دولت و تشدید احتمال مخاصمات نظامی است که روابط کشورها را بی‌ثبات می‌کند و ساختار سیستم را به چالش می‌کشد. برخی از متغیرها و شاخص‌های کنش‌های شکننده عبارت‌اند از: بیانیهٔ تهدیدآمیز شفاهی یا کتبی، انجام عمل سیاسی همچون قطع روابط دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی، انجام اَعمال نظامی مانند آرایش و نقل‌وانتقال نیروها، بروزدادن اَعمال خشونت‌آمیز مستقیم و غیرمستقیم، تضاد منافع عمیق و تخاصم عمیق.

بر این اساس، وضعیت حال حاضر مابین سه کشور مصر، اتیوپی و سودان را می‌توان بحران منطقه‌ای مهم در شمال شرق آفریقا قلمداد کرد. این مهم بیش از هر چیزی به نقش بی‌بدیل رود نیل در حیات این کشورها برمی‌گردد. نیل عنصر زندگی‌بخش

در این ناحیه از قارهٔ آفریقاست و این ناحیه در زمرهٔ خشک‌ترین مناطق کرهٔ زمین است.

بر اساس پژوهش سازمان کشاورزی و غذای سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸ که دربارهٔ بارش ۱۸۶ کشور جهان انجام گرفت، مصر با میانگین ۵۱ میلی‌متر باران در سال، در رتبهٔ آخر این فهرست قرار گرفت. سودان و اتیوپی نیز به‌دلیل اقلیم بسیار گرم و خشک، وضعیت مشابهی دارند. در اهمیت نیل برای مصر همین بس که هرودوت، مورخ بزرگ یونان باستان، مصر را هدیهٔ نیل می‌دانست. ۸۵ درصد از جمعیت مصر در ۵۰ نقطهٔ شهری و روستایی در حوضهٔ رود نیل قرار دارند و به‌طور مستقیم برای تأمین ۹۵ درصد آب مصرفی خود به منابع آب ناشی از آن وابسته‌اند. مصر برخلاف اکثر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا منابع کربنی اندکی دارد. به همین دلیل، بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در تولید ناخالص داخلی این کشور سهم زیادی دارد. پنبه و گندم مصر جایگاه مهمی در بازار کشورهای اروپایی و امریکا دارد. پس نیل برای بخش کشاورزی مصر که تماماً وابسته به منابع آب ناشی از آن است، اهمیت اساسی و حیاتی دارد. افزون بر این‌ها، باید به این مهم نیز اشاره کرد که ۵۰ درصد از برق موردنیاز مصر را سد آسوان تأمین می‌کند. این سد در سال ۱۹۷۰ روی نیل احداث شد. احداث سد آسوان در مصر سبب شد وضعیتی همانند انقلاب صنعتی انگلستان در قرن ۱۸ به وجود آید. منافع حاصل از سد آسوان به کاشت گستردهٔ پنبه و گندم و نیز صادرات آن به اروپا و در نتیجه، افزایش محسوس درآمد سرانه در مصر منجر شد. این رخداد، بخش‌های کشاورزی، صنعت، آموزش‌وپرورش و بهداشت این کشور را با تحول اساسی روبه‌رو کرد.




شکل(۱). بافت جمعیتی مصر در حوزهٔ رود نیل

سودان نیز از لحاظ اقلیمی شرایط مناسبی ندارد. به‌جز مناطق جنوبی این کشور، مابقی مناطق اقلیم بسیار خشک و گرم دارند. شرایط یادشده سبب شده است اکثر مناطق سودان نیز به منابع آبی ناشی از رود نیل وابسته باشد. در دو دههٔ گذشته، با افزایش جمعیت و همچنین فروکش‌کردن جنگ داخلی در سودان، تقاضا برای آب در این کشور افزایش پیدا کرده است که با توجه به اقلیم خشک این کشور، منابع آب ناشی از نیل اهمیت زیادی پیدا کرده است.

اتیوپی گرچه در مقایسه با مصر و سودان از نظر اقلیمی، وضعیت مناسبی دارد، در یک دههٔ گذشته، این کشور به دنبال این بوده است که با تولید انرژی (برق) از طریق منابع آب ناشی از نیل بتواند جایگاه مهمی در صادرات انرژی و کسب درآمد از این طریق به دست آورد. این کشور نیز به‌دنبال فراهم‌کردن مقدمات لازم برای تکرار تجربهٔ مصر در حوضهٔ رود نیل برای خود است. اتیوپی امیدوار است با تأسیس سد و سپس تولید برق و در نهایت صادرات آن بتواند از این طریق کسب درآمد گسترده کند.

## پیدایش بحران

در سال ۱۹۲۹ بر اساس پیمانی سه‌جانبه میان مصر و انگلستان و ایتالیا، اولین گام‌ها برای شکل‌دهی به رژیم حقوقی در حوزهٔ رود نیل برداشته شد؛ اما این پیمان کاملاً به منافع استعماری انگلستان در مصر متکی بود؛ چراکه انگلستان در بخش کشاورزی مصر برای تولید پنبه و گندم سرمایه‌گذاری کرده بود. بر پایهٔ این قرارداد، مصر برای ایجاد پروژه‌های آبی در حوضهٔ رود نیل، از حق وتو برخوردار شد. سودان و اتیوپی بدون اجازهٔ مصر حق احداث هیچ‌گونه پروژهٔ آبی در حوضهٔ رود نیل را نداشتند. بر اساس این قرارداد، مصر امتیاز بهره‌برداری از ۴۸ میلیارد مترمکعب از منابع آبی رود نیل را گرفت و سهم سودان نیز ۴ میلیارد مترمکعب بود؛ اما با وجود اینکه اتیوپی ۸۶ درصد[1] از منابع آبی رود نیل را تأمین می‌کرد، سهمی برایش در این قرارداد لحاظ نشد.

انتظار می‌رفت قرارداد ۱۹۵۹ که به‌دنبال اعتراض سودان و اتیوپی وضع شده بود، به این شرایط نابرابر پایان دهد؛ ام در این قرارداد نیز سهمی ناچیز، در حدود ۱درصد، برای اتیوپی در نظر گرفته شد. این درحالی بود که سهم مصر به ۵۵ میلیارد مترمکعب و سودان نیز به ۱۸/۵ میلیارد مترمکعب افزایش پیدا کرده بود.

با همهٔ این‌ها، بحران زمانی شکل گرفت که انگلستان بر اساس سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌اش به‌دنبال توسعهٔ کشاورزی در مناطق بالادست رود نیل، یعنی سودان و اتیوپی افتاد. ازاین‌رو، همانند تجربه‌اش در مصر، سدسازی در سودان و اتیوپی را برای استفاده از منابع آب آن‌ها برای کشاورزی در دستورکار قرار داد. انگلستان از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۰ بی‌وقفه، در مناطق بالادست نیل، یعنی در دو کشور سودان و اتیوپی، به احداث سد مشغول بود.

تا ۱۹۹۰م شرایط مساعد و به‌دور از تنش بود؛ اما از این زمان به‌بعد با افزایش تقاضا برای مصرف آب در طرح‌های جدید کشاورزی و نیز رشد فزایندهٔ جمعیت، تنش‌ها بر سر میزان بهره‌برداری از منابع آب حاصل از نیل آغاز شد. دو کشور سودان و اتیوپی به‌سبب افزایش نیازشان به منابع آب با رژیم حقوقی وضع‌شده در عصر استعمار که منافع آنان را نادیده گرفته و کاملاً یک‌جانبه به نفع مصر بود، به مخالفت جدی برخاستند. از سوی دیگر، مصر نیز که حیات و بقای خود را کاملاً وابسته به نیل می‌دانست، به مقابله با سیاست‌ها و اقدامات آنان برخاست. به‌تعبیر روشن‌تر، از ۱۹۹۰ آب، به‌دلیل نقش بی‌بدیلش در حیات و بقای سه کشور مصر و سودان و اتیوپی، به متغیری آشوب‌ساز در روابط این سه کشور تبدیل شده است و از ۱۹۹۰ تاکنون بحرانی تمام‌عیار را مابین سه کشور مصر، سودان و اتیوپی شکل داده است.

از ۱۹۹۰، سودان کسب سهم عادلانهٔ خود از منابع آب حاصل از رود نیل را مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی خود اعلام کرد. در همین راستا، در سال ۱۹۹۱ با ابتکار عمل سودان، این کشور پیمانی را با اتیوپی بر سر سهم بهره‌برداری عادلانه از رود نیل به امضا رساند؛ اما این اقدام واکنش جدی مصر را برانگیخت. از نظر مصر، اقدام سودان، علاوه بر نادیده‌گرفتن منافع مصر، سبب شده است اتیوپی نیز به جرگهٔ مدعیان رود نیل بپیوندد. سوء قصد نافرجام به حسنی مبارک در آدیس آبابا در سال ۱۹۹۵نیز

۱. از سرچشمه‌های نیل جز نیل سفید، مابقی در اتیوپی واقع شده‌اند که سهم آن در تأمین منابع آب نیل ۱۴ درصد است.

مزید بر علت شد و روابط سودان و مصر را بیش از پیش تیره ساخت. از آن زمان، تخاصم عمیقی بر روابط دو کشور حاکم شده است و بارها دو کشور را تا آستانهٔ تقابل مستقیم نظامی کشانده است؛ برای مثال می‌توان به درگیری محدود نظامی دو کشور در جزیرهٔ حلایب در سال ۱۹۹۵ اشاره کرد.

## تصاعد بحران

نقطه‌عطف بحرانی که از سال ۱۹۹۰ شکل گرفته است، سال ۲۰۱۱ است. در این زمان با سرایت تحولات ناشی از بیداری اسلامی به مصر، این کشور درگیر بحران‌های داخلی گسترده شد. درست در همین زمان، اتیوپی از شرایط موجود و درگیری‌ها در مصر که سبب معطوف‌شدن این کشور به تحولات داخلی خود شده بود، استفاده کرد و پروژهٔ عظیم ساخت سد النهضه را شروع کرد. ساخت این سد، طرحی بلندپروازانه و عظیم با ظرفیت تولید ۶۰۰۰ مگاوات برق[۱] و ذخیرهٔ ۷۴ میلیارد مترمکعب آب است که بزرگ‌ترین طرح عمرانی در قارهٔ آفریقا محسوب می‌شود و اتیوپی را به بزرگ‌ترین صادرکنندهٔ برق در قارهٔ آفریقا تبدیل خواهد کرد. این طرح، آب لازم برای کشاورزی، به‌ویژه تولید گندم، در بخش عظیمی از زمین‌های بیابانی اتیوپی را فراهم خواهد کرد و تحولات اساسی اقتصادی در این کشور رقم خواهد زد. به همیل دلیل نیز نام آن را النهضه (رنسانس) گذاشته‌اند.

اما موضوع مهم، تبعات این طرح عظیم برای مناطق پایین‌دست به‌خصوص مصر است. مصری‌ها معتقدند حتی با رویکردی خوش‌بینانه و درنظرنگرفتن خطر خشک‌سالی در مناطق بالادست، در دورهٔ پنج‌سالهٔ پیشنهادیِ اتیوپی برای آبگیری دریاچهٔ پشت سد، مصر سالانه ۱۱ تا ۱۹ میلیارد مترمکعب آب از دست می‌دهد که در این صورت، به دو میلیون کشاورز مصری، آسیب اقتصادی وارد خواهد شد. همچنین مصر در این دوره، ۲۵ تا ۴۰ درصد ظرفیت تولید برق خود را از دست خواهد داد و تولید برقش ۱۱ درصد کاهش خواهد یافت. با ادامه‌یافتن این روند پیش‌بینی می‌شود در افق ۲۰۵۰، مصر با کاهش قابل‌ملاحظهٔ ۵۰درصدی ذخایر آب روبه‌رو شود. به این موضوع باید دغدغهٔ اضافه‌شدن بروندی، کنیا، رواندا، تانزانیا و اوگاندا را به جمع مدعیان کسب حقابه از نیل اضافه کرد. این مسئله قطعاً چالش‌های امنیتی فوق جدی را برای مصر که در منتها علیه نیل و در دلتای آن قرار دارد، ایجاد خواهد کرد؛ چراکه این مهم سبب می‌شود ۳۰ درصد از زمین‌های زیر کشت مصر با کمبود آب به بیابان‌های خشک و لم‌یزرع تبدیل شوند و این برای مصر که مواد غذایی ۹۵ درصد جمعیت خود را از طریق نیل تأمین می‌کند، فاجعه‌بار خواهد بود. به‌طور کلی، مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی چنین شرایطی برای مصر عبارت‌اند از:

- کاهش حدوداً ۵/۲درصدی تولید ناخالص ملی در ۵ سال اول آب‌گیری سد؛
- بیکاری مستقیم ۱/۳ میلیون کشاورز و افزایش نرخ بیکاری به ۳۸ درصد؛
- افزایش نیاز به منابع مالی گسترده (۴۵/۵ میلیارد دلار) برای ایجاد اشتغال برای جمعیت بیکار؛
- کاهش صادرات، افزایش واردات و کسری گستردهٔ موازنهٔ تجاری.

۱. این میزان سه برابر ظرفیت تولید سد آسوان است.

همچنین ذخیره‌شدن ۷۴ میلیارد مترمکعب آب در پشت سد و خطر شسکستگی آن برای مصر به دغدغه و ترسی دائمی تبدیل خواهد شد؛ چراکه ۹۵ درصد جمعیت مصر در کرانه‌های رود نیل سکنا گزیده‌اند. بنابراین، هرگونه طغیان احتمالی نیل در نتیجهٔ شکستن سد به بروز فاجعهٔ انسانی در پایین‌دست و به‌خصوص مصر منجر خواهد شد.

این شرایط و تبعات احتمالیِ منتج از آب‌گیری سد النهضه سبب شده است مصر این مسئله را برای خود مسئلهٔ مرگ و زندگی قلمداد کند و خود را برای هرگونه اقدامی برای مقابله با این وضعیت محق بداند. مقاومت اتیوپی در مقابل تلاش‌های دیپلماتیک برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسئله و اقدامات مصر در راستای آماده‌سازی خود برای مقابلهٔ مستقیم با این کشور سبب بالاگرفتن بحران در چند وقت اخیر شده است. مصر تهدید کرده است در صورت اصرار اتیوپی به آب‌گیری سد، آن را هدف قرار خواهد داد. در همین راستا، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر در ۳۱مارس۲۰۲۱ گفت: «نبرد ما نبرد مذاکره است و اقدامات خصمانه غیرقابل‌قبول است؛ اما اگر منابع آب ما تحت‌تأثیر قرار گیرد، پاسخ مصر در منطقه طنین‌انداز خواهد شد.» به‌عبارت دقیق‌تر، روند رو به رشدی که از ۱۹۹۰ مابین مصر، اتیوپی و سودان شروع شده بود، در حال حاضر به بالاترین نقطهٔ خود رسیده است؛ در نتیجه، خطر درگرفتن جنگ و تقابل مستقیم نظامی نیز در چند دههٔ گذشته، بسیار به وقوع نزدیک شده است.

## آیندهٔ بحران

اما همان طور که ذکر شد، موضوع مهم در ارتباط با بحران هیدروپلیتیکی شکل‌گرفته در حوزهٔ رود نیل، ترسیم آیندهٔ آن است. در ارتباط با این موضوع، سه تصویر را می‌توان ترسیم کرد:

### جنگ

تحولات میدانی در حوضهٔ رود نیل مابین مصر، اتیوپی و سودان بیش از هر زمانی، خطر جنگ را افزایش داده است. در چند سال گذشته، مصر تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را در راستای حل‌وفصل موضوع سد النهضه در دستورکار قرار داده است که این اقدام با واکنش منفعلانه و گاه، مقاومت اتیوپی روبه‌رو شده است. به همین دلیل نیز تلاش‌ها و اقدامات دیپلماتیک شکل‌گرفته، با شکست روبه‌رو شده و به بن‌بست خورده‌اند. از سال ۲۰۱۷ تاکنون کنفرانس‌های متعدد برگزارشده دربارهٔ موضوع نیز شکست خورده‌اند. اتیوپی طرح‌های کارشناسی مصر مبنی بر بررسی پیامدهای آب‌گیری سد النهضه برای مصر را تاکنون نادیده گرفته است. بن‌بست ایجادشده سبب شده است در دو سال گذشته، هر دو کشور به‌دنبال فراهم‌کردن مقدمات لازم برای مقابلهٔ احتمالی مستقیم نظامی با یکدیگر باشند.

دولت مصر از زمان روی‌کارآمدن عبدالفتاح السیسی در سال ۲۰۱۴، خرید اسلحه و تجهیز نظامی خود را به‌شدت افزایش داده است. این مهم بیش از هرچیزی به این موضوع برمی‌گردد که السیسی بیش از همتایان سابق خود، نگران تبعات ناشی از احداث سد النهضه برای مصر است. السیسی بارها در چند سال گذشته، اتیوپی را به حملهٔ نظامی تهدید کرده است. در همین راستا، مصر از سال ۲۰۱۴ تاکنون بی‌وقفه به تجهیز قوای نظامی خود مشغول است. بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ مصر ۱ ناوچه، ۴ ناوچهٔ سبک، ۲ ناو

بالگرد و ۲۴ فروند جنگنده رافال را از فرانسه خریداری کرد. مصر همچنین در سال ۲۰۱۷ پیشنهاد خرید ۲۰ فروند اف۳۵ را نیز به آمریکا داد. امریکا این پیشنهاد را رد کرد؛ به همین دلیل، مصر به روسیه و تا حدودی فرانسه روی آورد. مصر در مارس ۲۰۱۹ برای تحویل‌گرفتن ۱۲ فروند سوخو۳۵ از روسیه قراردادی به‌ارزش ۲ میلیارد دلار در اوایل ۲۰۲۱ میلادی امضا کرد.[۱] مصر همچنین به‌طور جدی می‌کوشد خود را به موشک‌های ضد زرهِ کورنت، تانک تی۹۰ و سامانه اس۳۰۰ مجهز کند. مصر در ۲۶آوریل۲۰۲۱ نیز قرارداد دیگری به‌ارزش ۳/۹۵ میلیارد یورو برای فروش ۳۰ جنگندهٔ دیگر رافال و همچنین دو قرارداد دیگر برای فروش تولیدات شرکت موشک‌سازی ام‌بی‌دی‌ای۲ و شرکت تجهیزات الکترونیکی سفران۳ با فرانسه امضا کرد.

خرید این حجمِ انبوه از ادوات نظامی در چند سال گذشته از سوی مصر، در عین ضعف مالی این کشور، از قریب‌الوقوع‌بودن تهدیدی جدی علیه موجودیت مصر حکایت می‌کند؛ همان طور که تکمیل سد النهضه موجودیت این کشور را به خطر می‌اندازد. به‌عبارت دقیق‌تر، اهمیت این موضوع به‌حدی است که بر پایهٔ شواهد ذکرشده، مصر دارد خود را برای مقابله با احداث این سد، برای رویارویی مستقیم نظامی آماده می‌کند. این شرایط کاملاً مشابه وقایع پیش از شروع جنگ جهانی دوم است که طرفین در لوای مذاکرات سیاسی و کنفرانس‌هایی مانند ۱۹۳۸ وین، در حال آماده‌سازی خود برای جنگ بودند.

از کم‌وکیف خریدهای تسلیحاتی مصر می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که این کشور به‌دنبال حملهٔ گستردهٔ نظامی علیه اتیوپی نیست؛ بلکه به‌دنبال تخریب سد از طریق تهاجم هوایی و موشکی است؛ چراکه مصر مرز مشترکی با اتیوپی ندارد و هرگونه رویارویی زمینی این کشور با اتیوپی نیازمند عبور مسافتی طولانی در سودان است و سودان قطعاً مخالف چنین چیزی است. درست است که سودان در صورت آب‌گیری سد النهضه، نسبت به مصر، با پیامدهای منفی کمتری روبه‌رو خواهد شد، اما این کشور با مصر بر سر حاکمیت جزایر حلایب که از سال ۱۹۹۵ در اشغال نیروهای مصری است، اختلاف جدی دارد. از این روست که سودان خطر ناشی از استفادهٔ زمینی مصر از این کشور برای حمله به اتیوپی را نخواهد پذیرفت. همچنین حتی به‌فرض موافقت سودان، پیشروی طولانی و گسترده در خاک سودان نیازمند صرف هزینهٔ گسترده از سوی مصر است و این کشور همواره با بحران مالی روبه‌روست.

حملهٔ دریایی مصر از طریق دریای سرخ نیز با محدودیت روبه‌روست؛ چراکه از یک سو، توان دریایی مصر انجام چنین عملیاتی را از آن سلب کرده است و از سوی دیگر، تهدید امنیت دریانوردی در دریای سرخ در پی انجام این عملیات، واکنش منفی جامعهٔ جهانی را به دنبال خواهد داشت.

## حل‌وفصل سیاسی

۱. به‌دلیل مسائل ناشی از کرونا تحویل جنگنده‌ها به تعویق افتاده است.

2. MBDA

3. Safran

قطعاً جنگ گزینهٔ مطلوب و راه‌حل اولیهٔ هیچ‌کدام از طرفین بحران در حوضهٔ رود نیل نیست. هر سه کشور مصر، سودان و اتیوپی به‌دنبال حل‌وفصل سیاسی مابین خود هستند. روند مذاکرات سیاسی مابین این سه کشور در چند دههٔ گذشته نشان از آن دارد که طرفین به‌دنبال دستیابی به راه‌حلی سه‌جانبه برای حل‌وفصل موضوع هستند. حتی پس از آنکه اتیوپی در نوامبر ۲۰۲۰ اعلام کرد با توافق یا بدون توافق در صدد است آب‌گیری سد را آغاز کند، بن‌بست شکل‌گرفته در مذاکرات سه‌جانبه نیز به دورشدن طرفین از میز مذاکره و سازش به طریق سیاسی منجر نشد؛ چراکه استقبال طرفین از واردکردن طرف چهارم، یعنی اتحادیهٔ آفریقا، به مذاکرات سیاسی از پافشاری طرفین بر نزدیک‌شدن مواضع خود به یکدیگر در راستای حل‌وفصل سیاسی بحران حکایت می‌کند.

یگانه مانع بر سر حل‌وفصل سیاسی بحران، پافشاری سرسختانهٔ اتیوپی بر مواضع خود است؛ اما این موضوع نیز به‌نظر نمی‌تواند عامل شکست کامل مذاکرات سیاسی سه کشور باشد؛ چراکه این موضوع از یک سو، نزدیکی بیشترِ سودان و مصر علیه اتیوپی را به همراه دارد. این به‌ضرر اتیوپی است؛ چراکه قدرت چانه‌زنی‌اش در مقابل دو رقیب دیگر عملاً کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، خطر بی‌ثباتی سیاسی و حمایت مصر و سودان از آن، نگرانی مهمی برای اتیوپی محسوب می‌شود؛ چراکه در صورت ادامهٔ سیاست‌های اتیوپی، یکی از گزینه‌های مصر بهره‌برداری از مناقشات قومی‌قبیله‌ای اتیوپی در راستای ایجاد چالش سیاسی‌امنیتی برای این کشور است. حمایت نظامی مصر از گروه‌هایی مانند جبههٔ آزادی‌بخش خلق تیگرای قطعاً سبب خواهد شد اتیوپی از مواضع خود تا حدودی عقب‌نشینی کند؛ همان طور که حمایت ایران از جنبش‌های کرد و خطر ناشی از چالش‌های آن علیه تمامیت ارضی عراق، سبب شد این کشور در کنفرانس ۱۹۷۵ الجزایر از مواضع خود عقب‌نشینی کند.

به‌فرض به‌نتیجه‌نرسیدن طرق دیپلماتیک سه کشور و مساعی جمیله و میانجیگری سایرین، حل‌وفصل بحران از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد دور از ذهن نخواهد بود. به‌تعبیر روشن‌تر، اگر بحران به آستانه‌ای برسد که شورای امنیت آن را خطری برای صلح و ثبات بین‌المللی تشخیص دهد، این نهاد در بحران مذکور مداخله خواهد کرد. بند ۲ مادهٔ ۳۷ منشور سازمان ملل متحد دراین‌باره می‌گوید: «هر گاه شورای امنیت تشخیص دهد دوام اختلاف ممکن است عملاً حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند، تصمیم می‌گیرد که آیا باید برای اجرای مادهٔ ۳۶ وارد عمل شود یا هر طریق حل‌وفصل را که مناسب موضوع می‌داند، توصیه کند.» اگر با وجود این بند، طرفین نتوانستند به حل‌وفصل موضوع مبادرت ورزند، آنگاه شورا طبق فصل هفتم منشور عمل خواهد کرد و حتی ممکن است به مادهٔ ۴۲ منشور نیز ختم شود.

## حل‌وفصل حقوقی

تصویر سومی که می‌توان از آیندهٔ بحران ترسیم کرد، حل‌وفصل حقوقی آن است. حل‌وفصل حقوقی بحران‌ها و اختلافات بین‌المللی مسبوق به سابقه است. دو سازوکار حقوقی برای این منظور در نظر گرفته شده است: ۱. داوری بین‌المللی که دارای پیشینه‌ای طولانی است؛ ۲. دادخواهی و اقامهٔ اختلاف در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه. در دستورکار قرار گرفتن چنین فرایندی برای حل‌وفصل بحران وابسته به توافق طرف‌های درگیر است. به‌تعبیر روشن‌تر، شروع فرایند حقوقی حل بحران نیازمند

اعلام رضایت طرف‌های درگیر است. در داوری، طرف‌های درگیر بر طبق معاهده‌ای با عنوان «معاهدهٔ داوری» رضایت خود را برای اعادهٔ دادرسی از این طریق اعلام می‌کنند. در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه نیز شروع فرایند دادرسی منوط به اعلام رضایت طرفین است. از بین این دو طریق، دادرسی از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌دلیل برخورداری از ضمانت اجرایی لازم، برای دولت‌ها مطلوبیت بیشتری دارد. ضمانت اجرای احکام صادرشده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری، بند ۲ مادهٔ ۹۴ منشور سازمان ملل متحد است. بر طبق این بند، «هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که برحسب رأی دیوان بر عهدهٔ او گذاشته شده است تخلف کند، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد، توصیه‌هایی نموده یا برای اجرای رأی دیوان اقداماتی انجام دهد.» منظور از اقدام در این بند، همان اقدامات قهری شواری امنیت بر طبق مادهٔ ۴۲ منشور سازمان ملل است.

گرچه تاکنون شواهد و نشانه‌هایی مبنی بر تمایل سه کشور مصر، سودان و اتیوپی برای حل‌وفصل حقوقی بحران شکل‌گرفته مابین آن‌ها وجود ندارد، می‌توان پیش‌بینی کرد که حل‌وفصل حقوقی بحران، چه پیشنهاد دولت‌ها و نهادهای دیگر باشد و چه پیشنهاد طرفین درگیر در بحران، مورد توجه قرار گیرد.

## جمع‌بندی

آب عنصر حیات‌بخش جامعهٔ بشری است. به همین دلیل، اگر به‌قدر کافی در اختیار نباشد، به مهم‌ترین منبع اختلاف و تعارض تبدیل می‌شود. با وجود جمعیت زیاد کرهٔ زمین و افزایش آن در آینده، حجم آب قابل‌دسترس بسیار اندک است. به این مشکل باید خطر خشک‌سالی و سایر تغییرات اقلیمی را که سبب می‌شوند همین مقدار آب اندک نیز کاهش یابد، اضافه کرد. پس، تعارض بر سر آب، آیندهٔ محتمل جوامع بشری در چند دههٔ آینده است. در این میان، برخی مناطق هستند که به‌دلیل شرایط خاص اقلیمی، آسیب‌پذیری بیشتری در این شرایط دارند. غرب آسیا و شمال آفریقا به‌دلیل دارابودن اقلیم گرم و خشک، از جملهٔ این مناطق هستند.

کمبود منابع آب در چند سال آینده در غرب آسیا و شمال آفریقا سبب خواهد شد آب به مهم‌ترین منبع تعارض در این مناطق تبدیل شود. این تعارض در شرایط حاضر در شمال آفریقا در شرف رخ‌دادن است. از سال ۲۰۱۱ با شروع پروژهٔ ساخت سد النهضه از سوی اتیوپی، بحرانی مابین این کشور و مناطق پایین‌دست حوضهٔ رود نیل شکل گرفته است که تا به امروز در جریان است. به‌دلیل اهمیت این بحران در آینده و در نظم منطقه‌ای شمال آفریقا که ممکن است به مناطق مجاور، مانند غرب آسیا، سرایت پیدا کند، در این گزارش، توجه خود را به ارائهٔ تصویری از ده سال آینده معطوف کرده و سه تصویر ممکن از آیندهٔ بحران ترسیم کردیم: جنگ، حل‌وفصل سیاسی و حل‌وفصل حقوقی. شواهد و نشانه‌هایی مانند مداخلهٔ خارجی، خشک‌سالی، تعدد طرف‌های درگیر در بحران و افزایش تقاضا برای آب، احتمال رخداد سناریوی جنگ را نسبت به دو سناریوی دیگر افزایش می‌دهد.

نقش منفی رژیم صهیونیستی در حوضهٔ رود نیل مهم‌ترین متغیری است که خطر تقابل و درگیری مستقیم نظامی مابین مصر، سودان و اتیوپی را افزایش داده است. رژیم صهیونیستی، فعالانه، به‌دنبال ایجاد چالشی اساسی علیه مصر است. این چالش

ژئوپلیتیکی، قدرت مانور مصر در مقابل رژیم صهیونیستی را تا حد زیادی کاهش خواهد داد. این چالش همانا ایجاد بحران آب برای مصر است. در همین راستا، رژیم صهیونیستی از حامیان مهم پروژهٔ سد النهضه است. رژیم صهیونیستی منابع مالی و فنی‌مهندسی قابل‌توجهی برای تکمیل سد النهضه در اختیار اتیوپی قرار داده است. در کنار این موضوع باید حمایت این رژیم از اقدامات و مواضع اتیوپی برای تکمیل این سد را نیز اضافه کنیم. با تحریک اتیوپی، احتمال دستیابی طرفین به سازش و در نتیجه افزایش خطر تقابل و درگیری نظامی کاهش خواهد یافت.

در کنار این موضوع باید افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران را نیز اضافه کرد. طرح ادعا از سوی بروندی، کنیا، رواندا، تانزانیا و اوگاندا در این راستا قابل‌ذکر است. قطعاً با افزایش طرف‌های درگیر در بحران، احتمال توافق و سازش بیش از گذشته کم‌رنگ خواهد شد؛ چراکه هم‌پوشانی منافع چندین بازیگر، اگر نه غیر ممکن، اما بسیار پیچیده و دشوار است. پس، می‌توان چنین استنباط کرد که خطر تقابل و درگیری نظامی در حوضهٔ رود نیل و تبدیل بحران به جنگ محتمل‌ترین تصویر از آینده است.

## منابع

_ اطاعت، جواد و دیگران(۱۳۹۷)، هیدروپلیتیک نیل و تأثیر آن بر روابط ژئوپلیتیکی میان، مصر، سودان و اتیوپی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، شماره دوم.

_ مختاری دهشی، حسین و قادری حاجت(۱۳۸۷)، هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵: مطالعه موردی حوضه‌های دجله، فرات، رود اردن و رود نیل، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول.

_ رضوی، سلمان(۱۳۸۲)،بحران در سیاست جهان(نقد و بررسی کتاب)، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره بیستم.

_ حسینی، سید حسین(۱۳۸۵)، بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره۱و ۲ .